

دراسة آراء أحمد الغامدي في تقويمه لأخبار جرح محمد بن مسلم الثقفي

سعيد مرادي كياسرائي^١

غلامحسين أعرابي^٢

محمد رضا عزتي فردوي^٣

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٠٨/٢٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/١١/١٣ هـ ش]

الملخص

قد تعرف أضرار، وأسس، ومعايير تضعيف المجاميع الروائية وفق المناهج والمقاييس المعهودة، خاصة إذا كانت الأخبار المتعارضة في الرواة المعروفين بكثرة روايتهم عن المعصومين عليه السلام. وادّعى أحمد الغامدي في تصنيفه حوارات عقلية مع الطائفة الإثني عشرية في المصادر، بعد عرض بعض الشبهات في قضية جرح رواية الشيعة وتعديلهم، عدم أصالة الأحاديث الشيعية بعد تأكيد صحة التناقض في جرح وتعديل الرواة، واحتجّ ببعض الأمثلة لهذا التناقض. ومن هؤلاء الرواة محمد بن مسلم الثقفي، الذي مدّحه عدّة روايات ووُثق فيها بأنّه من خواصّ الأئمة عليهم السلام، ولعن وذمّ في بعض آخر. فهذه الأخبار المتعارضة في بادئ النظر، جعلت أحمد الغامدي الحامل أفكاراً ضدّ الشيعة، والمنفعل بالتيارات المعارضة لهذا المذهب، في موضع النقد والاعتراض، يحكم بعدم حجّية الروايات وتعارضها، وكذلك عدم وثاقة رواية الشيعة. هذا ودراسة أسناد أخبار الذمّ ومضمونها، ترشد إلى صحّة روايات المدح لكثرتها، واتقانها مضمونها وسندا، في حين تفقد أخبار الذمّ حجّيتها لأسباب كاضطراب بعضها، أو ضعف سندها، أو حملها على التقية.

الكلمات المفتاحية: الجرح والتعديل، محمد بن مسلم، رواية الشيعة، أحمد الغامدي، نقد السلفيين.

١. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) s.moradikiasraei@stu.qom.ac.ir

٢. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران golamhosein.arabi@gmail.com

٣. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران 1991ezzati@gmail.com

بررسی انتقادی دیدگاه احمد الغامدی در ارزیابی اخبار جرح «محمد بن مسلم الثقفی»

سعید مرادی کیاسرائی^۱، غلامحسین اعرابی^۲، محمدرضا عزتی فردوئی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳]

چکیده

آسیب شناسی و شناخت مبانی و مؤلفه های تضعیف جوامع حدیثی براساس روش ها و معیارهای پذیرفته شده و مستند امکان پذیر است؛ به ویژه اگر گزارش های متناقض درباره روایانی باشد که به دلیل کثرت نقل احادیث از معصومان علیهم السلام شهرت دارند. احمد الغامدی در کتاب منابع شیعه در میزان نقد علمی، با طرح برخی شبهات در مسئله جرح و تعدیل راویان شیعه، درصدد طرح عدم اصالت روایات شیعه از طریق اثبات صحت تناقض در جرح و تعدیل راویان شیعی است. او با استناد به نمونه هایی از تناقض های موجود در جرح و تعدیل راویان، بر مدعای خود تأکید کرده است. نمونه ای از این تناقضات درباره محمد بن مسلم ثقفی است؛ شخصی که از یک سو روایات متعددی در مدح و توثیق او به عنوان یکی از اصحاب خاص معصوم وارد شده و از سوی دیگر، لعن و مذمت وی نیز نقل گردیده است. گزارش های به ظاهر متناقض در احادیث شیعه موجب شده است که احمد الغامدی - با اندیشه های ضد شیعی و متأثر از جریان فکری مخالف - در مقام نقد و اشکال، حکم به عدم حجیت و تناقض روایات و نیز بی وثاقتی راویان مذهب تشیع دهد. با این حال، بررسی سند و متن روایات مدح و ذم نشان می دهد که صحت احادیث مدح، به دلیل کثرت و اتقان محتوایی و سندی، تأیید می گردد؛ در حالی که روایات دال بر ذم به سبب اضطراب و ضعف سندی، و نیز حمل برخی از آن ها بر تقیّه، بی اعتبار خواهد بود.

واژگان کلیدی: جرح و تعدیل، محمد بن مسلم، راویان شیعه، احمد الغامدی، نقد سلفی ها

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) s.moradikiasraei@stu.qom.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران golamhosein.arabi@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران 1991ezzati@gmail.com

مقدمه

در تاریخ اسلام، مذهب عامه همواره با رویکردی نقادانه و گاه مغرضانه به معارف مذهب شیعی، زمینه ساز شکل گیری جریان های انحرافی در اندیشه و عقاید اسلامی شده است. این رویکرد، که غالباً بر سطحی نگری، تعصب مذهبی، برداشت های نادرست از کتاب و سنت و تمسک به ظواهر دین استوار است، بیشترین تأثیر را از گفتار و اندیشه های سلف (صحابه و تابعین) پذیرفته و با تکیه بر آرا و نگرش های غیرمعتبر، به گونه ای افراطی و مستبدانه در جهت مقاصد خویش احتجاج می کند. این جریان که عمدتاً در قالب سلفی گری و وهابیت شناخته می شود، در مقام ضدیت با مذهب شیعه، به آسیب شناسی جوامع حدیثی شیعه می پردازد و با معیارهای اختصاصی خود در عقیده و مذهب، به بررسی عوامل اختلاف با مذهب شیعه در مسائل تاریخی و اعتقادی به ویژه نقش و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) و خواص یاران ایشان اقدام کرده است.

از جمله راهبردهای جریان سلفی- وهابی، نقد متنی و سندی منابع روایی شیعه و تلاش برای کشف تناقض های ظاهری در روایات امامیه است؛ به گونه ای که حجم قابل توجهی از گزارش های موجود در جوامع حدیثی شیعه، به ویژه در مسائل مربوط به فضائل و مناقب ائمه (علیهم السلام) و اصحاب خاص ایشان، موضوع و مجعول معرفی شود و اعتبار و حجیت آنها مورد تردید قرار گیرد. یکی از محورهای اصلی این نقدها، وجود تناقض های ظاهری در برخی منابع حدیثی شیعه درباره روایان است. این تناقض، که به سبب هم زمانی گزارش های مدح و ذم درباره یک راوی پدید آمده، به ظاهر بر تعارض و تنافی در کلام معصومان (علیهم السلام) دلالت دارد.

در این راستا، احمد الغامدی -از تئوریسین های وهابیت و استاد دانشکده عقیده دانشگاه ام القری- در کتابی مفصل با عنوان منابع شیعه در میزان نقد علمی، با طرح

اشکال‌ها و شبهات متعدد دربارهٔ راویان شیعه، درصدد اثبات صحّت تناقض در جرح و تعدیل منابع روایی شیعه برآمده است. وی در این کتاب به‌طور خاص روایات مربوط به «محمد بن مسلم ثقفی» - از خواص یاران امام باقر و امام صادق (علیه‌السلام) - را به‌عنوان نمونه‌ای از تناقض در جرح و تعدیل مطرح کرده و بر اصالت روایات ذمّ او تأکید کرده است.

نوشته‌ار حاضر، نخست به بررسی شخصیت محمد بن مسلم و روایات مدح وی می‌پردازد و سپس به‌طور ویژه شبههٔ احمد الغامدی دربارهٔ تناقض روایات شیعه را بررسی می‌کند. در این بخش، روایات به‌ظاهر متناقض دربارهٔ «محمد بن مسلم ثقفی» با تردید در سند و متن احادیث جرح، تحلیل می‌شوند و در پرتو کشف دلایل صدور، امکان جعل در حوزهٔ روایات مدح و ذم، انگیزه‌های مذهبی و سیاسی، و نیز بیان تقیّه‌ای برخی روایات در راستای حفظ نفوس پیروان و ناقلان حدیث، ارزیابی خواهند شد. هدف این پژوهش، ارائهٔ پاسخی مستدل و علمی به شبهات طرح‌شده و دفاع از اعتبار و حجیت روایات شیعی است.

پیشینه تحقیق

جز آنچه به‌طور پراکنده در برخی منابع رجالی دربارهٔ شخصیت محمد بن مسلم ثقفی آمده، تحلیل جامعی از گزارش‌های متعارض دربارهٔ او ارائه نشده است؛ از این‌رو، اثری مستقل که به‌طور خاص به موضوع تحقیق حاضر بپردازد، در دسترس نیست؛ تنها یک کتاب با عنوان محمد بن مسلم الثقفی الکوفی وأصوله الأربعمئة، تألیف محمد حسین میرصادقی و مقاله‌ای با عنوان «محمد بن مسلم ثقفی کوفی»، اثر ابوالحسن ربانی صالح‌آبادی، به‌اختصار به شخصیت و جایگاه رجالی او پرداخته‌اند؛ با این حال، این آثار از جنبه‌های مختلف به مسائل مطرح‌شده در این تحقیق نپرداخته‌اند.

طرح بحث

موضوع نقد روایات و راویان شیعه از سوی احمد الغامدی و دیگر منتقدان، همواره مورد توجه بوده است. تحلیل ادعای آنان درباره تناقض های روایی شیعه، فرصتی مناسب برای بررسی دقیق تر روش های نقد روایات و ارزیابی ادعاهای مطرح شده فراهم می آورد. احمد الغامدی، از تئوری پردازان وهابیت، با طرح شبهاتی در زمینه جرح و تعدیل راویان شیعه و با استناد به تناقض های ظاهری منابع روایی، در پی تضعیف بخشی مهم از میراث حدیثی شیعه، به ویژه در حوزه مناقب، برآمده است. وی در بخشی از کتاب خود، منابع شیعه در میزان نقد علمی، با اشاره به وجود تناقض میان روایات شیعه، به بررسی موردی راویان قابل اعتماد و برجسته شیعه، از جمله «محمد بن مسلم ثقفی»، به عنوان یکی از راویان مورد اختلاف در مدح و ذم می پردازد. وی بر این باور است که بسیاری از روایات شیعه به دلیل وجود چنین تناقضاتی، فاقد حجیت و اعتمادپذیری هستند. در ادامه این نوشتار، پس از ارائه شرح حال و شخصیت محمد بن مسلم در منابع شیعی، زوایای مهم و مؤثر این مسئله مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

۱. مُحَمَّد بن مُسْلِم الثَّقَفی

«محمد بن مسلم بن رباح کوفی ثقفی»، یکی از برجسته ترین راویان شیعه و مروج روایات دو حجت الهی و امام معصوم، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام است (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۵۲۲). او بی تردید در گسترش فرهنگ اسلام ناب و حقایق تابناک آموزه های اهل بیت علیهم السلام نقش ممتاز و تأثیرگذاری داشت؛ به گونه ای که به جرئت می توان گفت در اوایل سده دوم هجری در میان یاران ائمه علیهم السلام، کمتر چهره ای همانند او چنین قله های رفیع دانش طلبی و نشر احادیث امامان را فتح کرده بود.

کشی در رجال خود او را چنین توصیف کرده است: «ما کان أَحَدٌ مِنَ الشَّيْعَةِ أَفْقَهُ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلَمٍ؛ هیچ‌یک از محدثان شیعی فقیه‌تر از محمد بن مسلم نیست» (کشی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۷، ص ۳۹۴). نجاشی نیز در رجال خود محمد بن مسلم را فقیهی پارسا و پرهیزکار، صحابهٔ امام باقر و امام صادق علیه‌السلام و مورد اعتمادترین مردم دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ش: ص ۳۲۳). همچنین علامه حلی به نقل از نجاشی به همین موارد اشاره و او را تأیید می‌کند (علامه حلی، ۱۴۰۲: ق: ص ۱۴۹). شیخ طوسی نیز وی را جزء اصحاب امام باقر و امام صادق علیه‌السلام و همچنین او را در شمار اصحاب امام کاظم علیه‌السلام یاد کرده است (طوسی، ۱۳۷۳: ش: ص ۳۴۲)؛ همچنین او را از معتمدان و محدثان امامیه و از چهره‌های شاخص شیعه در کوفه و یکی از عالمان فقیه و صاحب نظرانی دانسته‌اند که دیگران از آنان حلال و حرام و احکام و فتوا را اخذ می‌کردند (شبستری، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۱۱۰). علاوه بر این، دربارهٔ او گفته شده است که از جمله فقیهان پاکدامن و پرهیزکار، از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه‌السلام و شخص مورد اعتماد و جلیل‌القدری است که هیچ اختلاف و اشکالی بر او وارد نیست و اخبار مدح او فراوان است؛ به‌طوری که نزدیک به بیست راوی، کشی و دیگران، او را در مدح و ستایش نقل کرده‌اند (نمازی شاهرودی، ۱۴۲۲: ق: ص ۳۱۲).

طبق گزارش‌های تاریخی، محمد بن مسلم در سال ۱۵۰ ق درگذشته است (طوسی، ۱۳۷۳: ش: ص ۲۹۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ش: ص ۳۲۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ق: ص ۲۰). افزون بر این، براساس برخی گزارش‌ها، وفات محمد بن مسلم، زراره و ابوبصیر در یک سال و پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام، در سال ۱۴۸ ق رخ داده است (مامقانی، ۱۴۳۱: ق: ص ۱۳۵؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۱۱۵؛ خویی، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۲۲۷)؛ یعنی سال ۱۵۰ ق و تقریباً سی سال پیش از وفات امام کاظم علیه‌السلام (مامقانی، ۱۴۳۱: ق: ص ۱۳۵). بنابراین، او دو

سال از امامت امام کاظم علیه السلام رادرک کرده و ایشان را ملاقات نموده است (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ج ۳، ص ۱۸۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۳؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۳۲۷). با این حال، درباره تاریخ تولد او در منابع تاریخی و حدیثی چیزی یافت نشد.

وی از موالی قبیله ثقیف و کنیه اش ابوجعفر بوده، همچنین القاب متعددی داشته است (مظاهری، ۱۴۲۸ق: ص ۳۵۸) که هر یک ناشی از ویژگی های جسمی، اقتصادی و قبیله ای اوست؛ همچون طحّان (آسیابان) (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۲۹۴)، سَمّان (روغن فروش) (علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ص ۲۶۱)، طائفی (برقی، ۱۳۴۲ش: ص ۱۷) و ثقفی (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۲۴).

محمد بن مسلم از جمله نخستین طبقه «اصحاب اجماع» بود و مجموعاً حدود ۴۶۰۰۰ حدیث از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت کرده است؛ ۳۰۰۰۰ حدیث از امام باقر علیه السلام و حدود ۱۶۰۰۰ حدیث از امام صادق علیه السلام. خود او در این باره می گوید: «پرسش هایم و آنچه از ابوجعفر شنیده ام، به سی هزار حدیث و آنچه از ملاقات با اباعبدالله فرزند ایشان شنیده ام یا پرسیده ام، به شانزده هزار حدیث یا مسئله می رسد» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۸۶، ۳۹۱). وی چهار سال در مدینه نزد امام باقر علیه السلام به کسب دانش و حدیث پرداخت؛ و پس از آن، نزد امام صادق علیه السلام حضور یافت (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۲۰۳). بنا بر نقلی، امام صادق علیه السلام او را امین امام باقر علیه السلام در احکام دین و محافظ دین الهی و زنده نگاه دارنده مکتب تشیع معرفی می کند (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۷، ص ۲۵۴). امام ششم در زمان حیات خود، برخی را که به ایشان دسترسی نداشتند، به محمد بن مسلم ارجاع می داد (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۸۳). شیخ مفید، محمد بن مسلم را از سلسله فقیهانی می داند که شیعه احکام حلال و حرام و دیگر مسائل دینی را از آنان گرفته است (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲۵-۲۶).

براساس گزارش‌های تاریخی، برخی از بزرگان اهل سنت، ازجمله ابوحنیفه، برای حل مسائل علمی به محمد بن مسلم ارجاع می‌دادند (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۸۶). برقی گزارش می‌کند: «العامّة تروي عنه، وكان منا، وأنس الراوي يروي عنه» (برقی، ۱۳۴۲ش: ص ۹). ابن حجر عسقلانی به نقل از سعد بن عبدالله قمی و به سندی که از او به امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسد، آورده است: «أوتاد الأرض أربعة...» (ابن حجر، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۱۰). محمد بن مسلم ازجمله صحابی معصوم است که کتابی با عنوان «الأربعمائة مسألة في أبواب الحلال والحرام» تألیف کرده و در آن به بررسی چهارصد مسئله در باب احکام شرعی پرداخته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۲۴).

۲. اخبار مدح «محمد بن مسلم ثقی»

با توجه به شرح حال محمد بن مسلم ثقی، وی از شخصیت‌های برجسته و از فقیهان نامدار عصر خویش بود؛ از این رو در کتب رجالی و حدیثی به عنوان مرجع اخذ و نقل احادیث ائمه معصومان علیهم السلام معرفی شده است. همچنین، روایات متعددی در بیان اوصاف و جایگاه او نقل شده که براساس آن‌ها احادیث وی مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ برخی از این اوصاف عبارت‌اند از: وثاقت، فقاہت و اعتماد ویژه نزد ائمه علیهم السلام (صرامی، ۱۳۹۱ش: ص ۳۶-۳۷). شماری از روایاتی که به تعدیل و مدح او پرداخته‌اند، عبارت‌اند از:

۲-۱. روایت اول

امام صادق علیه السلام در روایتی درباره محمد بن مسلم و زرارہ می‌فرماید: «اگر اینها نبودند، کسی احکام دین را استنباط نمی‌کرد و آنان پاسداران دین الهی و امینان بر حلال و حرام خداوند هستند» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۴۸).

بررسی راویان گزارش مدح

روایت پیش گفته را راویان زیر گزارش کرده اند:

سلیمان بن خالد بن دهقان: او قاری و فقیه شناخته شده بود (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۱۸۳). شیخ طوسی از وی با عنوان صاحب قرآن یاد می کند (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ص ۲۱۵)؛ یعقوب بن یزید بن حماد الأنباری السلمي: او را ثقه و راستگو و همچنین کثیر الروایة دانسته اند (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ص ۵۰۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۴۵۰)؛ حمدویه بن نصیر بن شاهی: دارای علم و روایات بسیار، ثقه و صاحب مذهب درست است (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ص ۴۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ ق: ص ۶۲)؛ هشام بن سالم الجوالیقی: او ثقه است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۴۳۴؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ ق: ص ۱۱۷؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ ق: ص ۱۷۹)؛ محمد بن أبی عمیر: او را ثقه معرفی کرده اند (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ص ۳۶۵)؛ محمد بن أبی عمیر زیاد بن عیسی ابواحمد الأزدي: نجاشی او را جلیل القدر و صاحب منزلت در نزد شیعه و مخالفان معرفی می کند (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۳۲۶).

۲-۲. روایت دوم

امام صادق علیه السلام، محمد بن مسلم را فردی شناخته شده و مورد اعتماد پدر بزرگوار خویش معرفی می کند و او را مرجع پاسخگویی به پرسش های فقیهان و محدثان شیعی می داند که امکان تشرّف به محضر امام را ندارند (کشی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ص ۳۸۳). دیگر عالمان رجال نیز به نقل از کشی این روایت را در کتب رجالی خود ذکر کرده اند (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ ش: ص ۳۳۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ص ۱۹۳؛ شوشتری، ۱۴۱۰ ق: ج ۹، ص ۵۷۴).

بررسی راویان گزارش مدح

روایت فوق را راویان زیر گزارش کرده‌اند:

العلاء بن رزین القلاء: جلیل‌القدر و ثقة (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۲۹۸؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق: ص ۳۲۲)؛ عبدالله بن محمد الحجال: ثقة (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ص ۳۶۰)؛ ابوالقاسم سعد بن عبدالله بن ابی خلف القمی: ثقة (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ ق: ص ۵۴)؛ سعد بن عبدالله القمی: جلیل‌القدر و صاحب تصانیف (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۳۵۵)؛ عبدالله بن ابی یعفور: ثقة و جلیل (کشی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۵۱۵؛ حسینی حلی، ۱۴۲۸ ق: ص ۲۱۴)؛ احمد بن محمد بن عیسی الأشعری القمی: ثقة (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ص ۳۵۱)؛ محمد بن قولویه: از برگزیدگان اصحاب سعد به شمار می‌رفت (علامه حلی، ۱۴۰۲ ق: ص ۱۶۴) که این جمله بر توثیق وی دلالت دارد (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ ق: ج ۶، ص ۱۶۷).

۲-۳. روایت سوم

امام صادق علیه السلام در توصیف محمد بن مسلم از وی با عنوان مخبتین بشارت داده‌شده به بهشت و همچنین از نجیبانی یاد می‌کند که امین خدا بر حلال و حرامش هستند تا آثار نبوت قطع و نابود نگردد (کشی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ص ۳۹۸).

بررسی راویان گزارش مدح

روایت پیش‌گفته از دو طریق با مضامین مشابه از طریق راویان زیر گزارش شده است: جمیل بن درّاج: ثقة (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۱۴)؛ عبدالله بن محمد بن خالد الطیالسی: ثقة (حسینی حلی، ۱۴۲۸ ق: ص ۲۲۶)؛ محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش السلمی السمرقندی: ثقة، صدوق (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۳۵۰)؛ محمد بن مسعود الطائی: ثقة (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۳۵۸).

۲-۴. روایت چهارم

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر، چهار نفر از همه مردم را - حاضران و پیشینیان - نزد خویش محبوب تر می داند که محمد بن مسلم از جمله آن افراد است (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۰۹).

بررسی راویان گزارش مدح

روایت فوق از سه طریق با مضامین تقریباً مشابه از راویان زیر گزارش شده است:

محمد بن عیسی بن عبید: عالمان درباره وثاقت او اختلاف دارند (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۱۴۲)، برخی همچون نجاشی او را ثقة، عین و کثیر الروایة می دانند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۳۳) و برخی مانند شیخ طوسی برخلاف نجاشی، بنابر قول قمیون او را ضعیف دانسته اند (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۳۹۱)؛ همچنین گفته شده است او به سمت مذهب غلات می رفت (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۱۴۲)؛ نصر بن شعیب: مجهول (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۹۳)؛ أبان بن عثمان الأحمر: از فرقه ناووسیه، اما کشی وی را جزء شش نفر طبقه دوم از اصحاب امام صادق علیه السلام می داند و می گوید: روایات او نزد من نزدیک به قبول است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۲۲)؛ محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ابوجعفر الزیات الهمدانی: جلیل در بین اصحاب ما، عظیم القدر، دارای روایات زیاد، ثقة، عین (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۳۴)؛ محمد بن الحسین بن ابی الخطاب: ثقة (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۳۷۹)؛ فضل بن عبد الملك ابوالعباس [البقباق]: ثقة، عین (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۰۸)؛ [القاسم بن عروة] ابو محمد: ممدوح (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ش: ص ۲۷۶)؛ عمر بن یزید بیاع السابری: رجالیان او را از ثقات محدثین شیعه بر شمرده اند (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۳۳۹)؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ش: ص ۲۶۱؛ شبستری، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۴۶۰).

۲-۵. روایت پنجم

جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «اوتاد و میخ‌های زمین و اعلام و نشانه‌های دین چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن بختری مرادی و زرارة بن اعین» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۰۷).

بررسی راویان گزارش مدح

روایت فوق را راویان زیر گزارش کرده‌اند:

علی بن حدید بن حکیم: محدث فطحی مذهب و ضعیف الحدیث به شمار رفته است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۲۳۴؛ تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲ش: ص ۴۸)؛ علی بن اسباط بن سالم بیاع الزطی ابوالحسن المقرئ: ثقة (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۲۵۲)؛ حسین بن الحسن بن بندار القمی: ذکری از وی در کتب رجالی نیامده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۱۱۲)؛ محمد بن عبدالله المسمعی: ثقة و صدوق است (مظاهری، ۱۴۲۸ق: ص ۳۴۰). مرحوم خویی این روایت را به دلیل حضور محمد بن عبدالله در سند روایت ضعیف دانسته است (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵، ص ۱۴۷).

۲-۶. روایت ششم

در روایتی که ابی عبیده حذاء از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، محمد بن مسلم، زاره، ابوبصیر و برید مصداق آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه: ۱۰-۱۱) معرفی شده‌اند که در آن افرادی در ایمان بر همگان پیشی می‌گیرند و در حقیقت مقربان درگاه‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۴۸).

بررسی راویان گزارش مدح

این روایت را راویان زیر گزارش کرده‌اند:

محمد بن سنان ابوجعفر الزاهری: نجاشی او را ضعیف می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۳۲۸)؛ شیخ طوسی نیز در کتاب الرجال از وی با تعبیر «ضعیف» (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ص ۳۶۴) و در الفهرست با تعبیر «وقد طعن علیه، وضعف» یاد کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ص ۴۰۶)؛ ابن غضائری نیز او را ضعیف و غالی می‌داند (ابن غضائری، ۱۴۲۲ ق: ص ۴۰۶)؛ داود بن سرحان العطار: ثقة است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۱۵۹)؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ ق: ص ۶۹).

۷-۲. نتیجه بررسی روایات مدح

گزارش‌های مدح محمد بن مسلم ثقفی نشان می‌دهد بیشتر این روایات با حذف موارد مشابه یا تقریباً یکسان، به روشنی بر مدح و وثاقت وی دلالت دارند. راویان این روایات از نظر رجالی معتبر هستند و نقل‌های آنان از حجیت برخوردار است. این روایات از لحاظ سندی نیز اعتبار خوبی دارند و بسیاری از آن‌ها با دست‌کم دو یا سه سند مختلف گزارش شده‌اند، بنابراین از نقل منفرد خارج هستند. از نظر متنی نیز مضامین این گزارش‌ها مشابه و هم‌سو است و بر مدح و توثیق محمد بن مسلم تأکید دارند. از مجموع ۳۲ راوی در اسناد روایات مدح، تعداد ۲۷ راوی ثقه و مورد اعتماد بوده‌اند و از ۵ راوی دیگر، دو تن در کتب رجالی ذکری از آنان نشده است و فقط سه تن دیگر ضعیف دانسته شده‌اند و دلیلی بر ضعف آنان بیان نشده است. بنابراین اعتبار و صحت بیشتر گزارش‌های مدح محمد بن مسلم ثقفی پذیرفتنی است و با توجه به کثرت روایات وی در منابع روایی شیعه، بررسی دقیق روایات معارض که بر ذم و تضعیف وی دلالت دارند، ضروری است.

۳. اخبار ذمّ «محمد بن مسلم ثقفی»

در تقابل با احادیث ذکرشده در مدح محمد بن مسلم ثقفی، سه روایت از معصوم علیه السلام نقل شده است که بر مذمت وی دلالت دارند. این مسئله با توجه به روایات بی شماری که در تعدیل و توثیق وی از ائمه علیهم السلام صادر شده است، تناقض دارد و کشتی و دیگر رجالیون شیعه در کتب رجالی خود این روایات را گزارش کرده اند. در این بخش به بررسی و نقد روایات ذم خواهیم پرداخت:

۳-۱. روایت اول

محمد بن مسعود از جبرئیل بن احمد از محمد بن عیسی و او از یونس از ابی صباح روایت می کند که گفت شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «یا ابی صباح، هلك المترسّون فی أديانهم و...؛ کسانی که در دین خود شک می کنند، به هلاکت افتادند و از جمله این افراد، محمد بن مسلم است» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۴؛ ج ۲، ص ۵۰۸) و بعدها دیگران نیز این روایت را نقل کرده اند (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۹۷؛ قهپایی، ۱۳۶۴ش: ج ۶، ص ۵۲).

بررسی و نقد روایت اول ذم

الف. در سند این روایت جبرئیل بن احمد قرار دارد که هرچند کثیرالروایه محسوب می شود، درباره او توثیق و مدحی نیامده است (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۹۸). درباره وثاقت محمد بن عیسی بن عبید نیز میان عالمان رجالی اختلاف است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۱۴۲)؛ برخی همچون نجاشی او را ثقة، عین و کثیرالروایه دانسته اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۳۳)؛ اما کسانی چون شیخ طوسی بر خلاف نجاشی، بنابر قول قمی ها او را ضعیف دانسته است (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۳۹۱)؛ همچنین گفته شده است که او به سمت مذهب غلات می رفت (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۱۴۲).

ب. برخی از عالمان رجال، روایت محمد بن عیسی از یونس را در نهایت ضعف دانسته‌اند. آنان بر این باورند که بعید نیست طرح چنین سخنی از سوی راوی، از سر شفقت و برای جلوگیری از حسد، دشمنی و یا ترس از افشا باشد؛ یا آنکه در راستای تشویق به تقیه و پنهان داشتن امر آنان از مخالفان، و نیز برای پرهیز از کوتاهی، سستی و ضعف مردم درباره وی صورت گرفته باشد (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۳-۶۴۴).

ج. مرحوم خوئی معتقد است روایت ابی صباح در ذم محمد بن مسلم و زارة و...، ضعیف است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ص ۲۵۲).

د. روایات مدح‌کننده مشهور و معروفی که درباره وی (محمد بن مسلم) آمده است، شکی باقی نمی‌گذارد که آنها از معصوم علیه السلام صادر شده‌اند و دست‌کم قابل اطمینان است و قابل معارضه با روایات شاذ و نادری همچون این روایت نیست (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۹۸). ه. در نقل‌ها و دیگر نسخ روایی، عبارت «هلك المترسبون» که در روایت ذم محمد بن مسلم نقل شده است، به گونه‌های دیگر بیان شده است که به تبع معانی متفاوتی با آنچه کشی در رجال خود بیان می‌کند، خواهد داشت؛ مانند هلك المترسبون [المترسبون] (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴)، هلك المسترببون [المرببون] [المتریبون] (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ج ۳، ص ۱۸۶)، هلك المسترببون (شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۹، ص ۵۷۸)، هلك المترسبون (علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۳).

۲-۳. روایت دوم

محمد بن مسعود از جبریل بن احمد و محمد بن عیسی از یونس و عیسی بن سلیمان و جماعتی از مفضل بن عمر روایت می‌کند که گفت: «سمعت ابا عبد الله يقول: لعن الله محمد بن مسلم كان يقول: ان الله لا يعلم الشيء حتى يكون؛ خداوند محمد بن مسلم را

لعنت کند؛ زیرا او می‌گوید خداوند از وجود شیء اطلاعی ندارد تا اینکه آن شیء ایجاد شود» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۴). دیگر رجالیونی نیز این گزارش را از وی نقل کرده‌اند (ر.ک به: اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۹، ص ۵۷۸؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۳-۶۴۴؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق: ج ۳، ص ۱۸۶؛ قهپایی، ۱۳۶۴ش: ج ۶، ص ۵۳؛ خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۲۶۸).

بررسی و نقد روایت دوم ذم

مرحوم خویی این روایت را به دلیل حضور جبرئیل بن احمد و مفضل بن عمر در سلسله سند ضعیف می‌داند. اگر سند این روایات صحیح هم باشد، در برابر روایات مستفیضی که پیش‌تر در مدح محمد بن مسلم بیان شد، قدرت تقابل ندارد و «لم یعتد بها» (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۲۶۹).

راوی این روایت، مفضل بن عمر جُعفی کوفی است که در منابع رجالی درباره وثاقت یا عدم وثاقت او دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. نجاشی او را فاسد المذهب، مضطرب در نقل روایت و از گروه خطّابیه دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۴۱۶). همچنین برخی دیگر از رجالیان متقدم، همچون ابن غضائری، ابن داوود حلی و علامه حلی، وی را با تعابیری مانند ضعیف، فاسد المذهب، مضطرب الروایة، مرتفع القول، متهافت و خطّابی توصیف کرده‌اند (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ص ۸۷؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۲۵۸؛ تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲ش: ص ۵۱۸). دستاویز این عالمان در تضعیف مفضل، چند روایت در نکوهش اوست که کُشی در کتاب خود نقل کرده است (ر.ک: کُشی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۶۱۲ به بعد).

در مقابل، برخی از رجالیان متأخر، مفضل بن عمر را شخصی موثق و دارای اعتقادات صحیح دانسته‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ج ۳، ص ۲۳۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰، ص ۲۱۶؛

خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۹، ص ۳۱۷). در عین حال، گروهی دیگر درباره وثاقت یا ضعف او اظهار نظری نکرده اند؛ چنان که شیخ طوسی در رجال خود یک بار وی را از اصحاب امام صادق علیه السلام و بار دیگر از اصحاب امام کاظم علیه السلام ذکر می کند؛ اما متعرض وثاقت یا ضعف او نمی شود (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۳۰۷). کشتی نیز مجموعه ای از روایات مدح و ذم درباره وی را نقل می کند؛ ولی در نهایت رأیی در تأیید یا رد او صادر نمی کند (ر.ک: کشتی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۶۱۲ به بعد).

با این حال، با توجه به قرائن و نسبت سنجی میان روایات مدح و ذم (کشتی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۶۱۲؛ خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۹، ص ۳۱۹) و نیز احتمال خلط و اشتباه میان دو شخصیت به نام مفضل بن عمر - یعنی مفضل بن عمر جعفری (ثقه) و مفضل بن عمر صیرفی (فاسد المذهب) - می توان نتیجه گرفت که قول به وثاقت وی محتمل تر است (حیدر، بی تا: ج ۲، ص ۱۰۴).

همان طور که در بررسی سند روایت قبل مطرح شد، محمد بن عیسی و یونس در این روایت نیز حضور دارند که موجب ضعف سند حدیث شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۳-۶۴۴)؛ همچنین در سند روایت، عیسی بن سلیمان قرار دارد که گفته شده است وی غیر معلوم الحال بوده و در کتب رجالی ذکری از وی نیامده است (علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۳-۶۴۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴).

۳-۳. روایت سوم

محمد بن مسعود از جبرئیل بن احمد و محمد بن عیسی، و او از علی بن حکم، و وی از سیف بن عمیره، و او از عامر بن عبدالله بن جذاعة، روایت می کند که امام صادق علیه السلام پس از پرسشی درباره استطاعت - که از قول زرارة و محمد بن مسلم مطرح شده بود - فرمود:

«آنان در ولایت ما جایگاهی نداشتند» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۳). همچنین، رجالیان متأخری که این روایت را نقل کرده‌اند، بدان تصریح دارند (ر.ک: خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۲۶۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۹، ص ۵۷۸). کشی نیز در توضیح عبارت «إنهما ليسا بشيء في الولاية» می‌نویسد: «إنهما في القول بالاستطاعة ليسا على شيء من ديننا، ولا في شيء من ولايتنا؛ آنان در قول به استطاعت، نه بر دین ما هستند و نه در چیزی از ولایت ما» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۳).

بررسی و نقد روایت سوم ذم

اندیشه استطاعت که در این روایت دلیل اصلی عدم تأیید زرارۀ بن أعین و محمد بن مسلم ثقفی از سوی امام صادق عليه السلام ذکر شده است، از مباحث کلامی مهم اواخر سده نخست هجری به شمار می‌رود؛ اما تنها گزارش موجود که محمد بن مسلم را دارای چنین اندیشه‌ای معرفی می‌کند، همین روایت است. حتی با فرض صحت سند روایت، هیچ تأیید دیگری در دیگر روایات مبنی بر اینکه محمد بن مسلم به چنین اعتقادی پایبند بود، وجود ندارد.

در مقابل، بیشتر انتقادات و مذمت‌ها در این موضوع خاص متوجه «زرارة بن أعین» است. گزارش‌های متعددی در بحث استطاعت که در برخی روایات رجال کشی آمده است، به اعتقادات خاص زرارۀ در این باره اشاره می‌کنند و نشان می‌دهند که این اعتقادات را معصومان عليهم السلام نقد و مذمت کرده‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۵). افزون بر این، کتابی با عنوان الاستطاعة والجبر نیز به زرارۀ بن أعین نسبت داده شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۱۷۵). این موضوع نشان می‌دهد که انتقادات در این زمینه بیشتر متوجه زرارۀ بن أعین بوده و کمتر به محمد بن مسلم ثقفی اختصاص داشته است.

بنابراین حتی اگر این روایت درباره تأیید نشدن محمد بن مسلم از سوی امام علیه السلام پذیرفته شود، می‌توان آن را فقط ناظر به یک موضوع خاص مانند مسئله استطاعت و جبر دانست و نمی‌توان به طور مطلق جایگاه و گزارش‌های منقول از وی را زیر سؤال برد؛ از این رو این روایت تنها به یک زمینه محدود اشاره می‌کند و نمی‌تواند مبنای کلی برای تضعیف جایگاه محمد بن مسلم قرار گیرد. برخی نیز در توضیح عبارت «إنهما ليسا بشيء في ولاية» گفته‌اند مراد از اینکه در ولایت من جایی ندارند؛ یعنی روایتی ندارند (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ج ۳، ص ۱۸۶؛ قهپایی، ۱۳۶۴ش: ج ۶، ص ۵۲).

نکته مهم در رابطه سند این روایت، وجود جبرئیل بن احمد در سلسله راویان این گزارش است که ضعیف دانسته شده است (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۲۶۸؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۲). همچنین گذشت که حضور محمد بن عیسی موجب ضعف سند می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۶۴۳-۶۴۴)، هرچند درباره وثاقت یا عدم وثاقت وی اختلاف وجود دارد (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۱۴۲)؛ چنان‌که برخی او را ضعیف (طوسی، ۱۳۷۳ش: ص ۳۹۱؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۱۴۲) و برخی ثقه دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۳۳۳).

۳-۴. نتیجه نقدهای روایات ذم

دلالت‌های ظاهری روایات ذم محمد بن مسلم به لحاظ سندی ضعیف و از نظر محتوایی نیز قابل عرضه و مقابله با روایات مدح نیستند؛ چراکه:

الف. صدور بیشتر این روایات به دلیل ضعف اسناد از معصوم علیه السلام ثابت نیست (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ص ۲۵۲) و افزون بر ضعف سند، گزارش‌های ذم وی «شاذ» نیز بوده است (عزیزی، ۱۴۳۰ق: ج ۱، ص ۱۱۶).

ب. بر فرض صدور روایات ذم از معصوم علیه السلام، چاره‌ای جز حمل بر تقیّه نداریم؛ به دلیل حفظ نفوس و خطری که اصحاب ائمه علیهم السلام همچون محمد بن مسلم، زرارۀ بن أعین و ... را تهدید می‌کرد (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ج ۳، ص ۱۸۶؛ خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۹۹؛ ج ۸، ص ۲۵۲). بنابراین این‌گونه روایات را به دلیل حفظ جان و دفع ضرر [احتمالی] از محمد بن مسلم باید تأویل یا حمل بر تقیّه کرد؛ نظیر آنچه کشی ذیل معرفی زرارۀ بن أعین نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام به عبدالله بن زرارۀ بن اعین این‌گونه بیان می‌کند: «اقرأ مَنِّي على والدك السلام، وقل له إِنِّي إِنَّمَا أُعِيْبُكَ؛ دفاعاً مَنِّي عنك، فَإِنَّ النَّاسَ وَالْعَدُوَّ يَسَارِعُونَ إِلَى كُلِّ مَنْ قَرَّبَنَاهُ وَحَمَدْنَا مَكَانَهُ؛ لِإِدْخَالِ الْأَذَى فِيمَنْ نَحْبَهُ وَنَقَرَبَهُ؛ اگر زمانی نسبت به تو عیب جوایی از سوی ما صورت پذیرفت، فقط برای حفظ جان تو از آزار و اذیت دشمنانمان است» (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰). از این رو بر مبنای قرائن موجود، تعمیم این روایت در شأن محمد بن مسلم امری جایز است و بسیار محتمل است صدور این روایات از روی تقیّه و برای حفظ و دفع ایذا از وی بوده باشد (عزیزی، ۱۴۳۰ق: ج ۱، ص ۱۱۶). بنابراین قصد جدی و حقیقی به لعن محمد بن مسلم ثقفی از سوی امام علیه السلام وجود نداشت، بلکه مقصود آن حضرت، لعن ظاهری برای حفظ جان به جرم ارتباط و دوستی با امام علیه السلام است (تفرشی، ۱۳۷۷ش: ج ۴، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۳۲۷)؛ همان‌گونه که خویی در معجم الرجال از این روایت استفاده می‌کند و آن را در مقام دفاع از محمد بن مسلم به عنوان یک دلیل و شاهد، ذیل روایت مذمت او بیان می‌کند (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۹۸).

ج. روایات وارد شده در مدح محمد بن مسلم به دلیل تضافر در برابر روایات اندک ذم و نیز حضور جبرئیل بن احمد و مفضل بن عمر در سند روایت، ضعیف هستند و بر فرض صحت اسانید آن، قابل معارضه و مقابله با روایات صحیح و مستفیض وارد شده در مدح وی نیستند (مرتضی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ص ۳۹۶). بنابراین وقتی اخبار و قرائن متعدد در اثبات

وثاقت یک راوی در منابع مختلف حدیثی و رجالی ارائه شده است، احتمال ضعیفی وجود دارد که روایتی شاذ و غریب بر روایات مشهور در آن زمینه غلبه یابد.

د. در بررسی اسناد روایات مربوط به جرح محمد بن مسلم ثقفی و جستجو در منابع روایی درباره گزارش‌های ذم و جرح راویان به وسیله معصومان علیهم‌السلام، نکات حائز اهمیت پدیدار می‌شود؛ از جمله حضور برخی راویان در سلسله اسناد ذم محمد بن مسلم در اسناد احادیث جرح و تعدیل دیگر راویان شیعه. در سلسله اسناد مشاهده می‌شود که برخی راویان شیعی که به کثرت نقل حدیث از معصومان علیهم‌السلام شهرت یافته‌اند - همچون «محمد بن مسلم الثقفی، زرارۀ بن أعین، برید بن معاویة عجل و یونس بن عبدالرحمن» - در میان مجموع روایات جرح محمد بن مسلم، تمام یا برخی از راویان این روایات نیز در احادیث جرح و مذمت دیگر راویان مورد اعتماد شیعه حضور دارند. اگر شمار احادیث نقل شده این بزرگان اصحاب ائمه علیهم‌السلام را در منابع روایی شیعه بررسی کنیم، درمی‌یابیم که بیش از ده هزار حدیث از آنان روایت شده است. از این رو، در برابر اشکالاتی که پیرامون روایات مذمت مطرح می‌شود، می‌توان گفت این احادیث مربوط به دوران آغازین آشنایی راوی با امامان علیهم‌السلام بوده است؛ زمانی که احتمال می‌رفت راوی دیدگاه‌هایی ناسازگار با رضایت امام علیهم‌السلام داشته باشد. بر این اساس، روایات مذمت راویانی همچون محمد بن مسلم، معتبر تلقی می‌شود و این جرح‌ها را می‌توان ناشی از ناسازگاری اندیشه‌های آغازین راوی با نگاه معصوم علیهم‌السلام دانست. به بیان دیگر، اگر اندیشه‌های راوی در آغاز، مورد رضایت امام علیهم‌السلام نبوده و امام نیز بر اساس اقتضای زمان و شناخت نخستین، علم تفصیلی نسبت به او نداشته باشد - برخلاف مبانی اعتقادی شیعه پیرامون علم امام علیهم‌السلام -، در این صورت، کثرت روایات مدح در مراحل بعدی می‌تواند ناسخ احادیث مذمت به شمار آید و اساس چنین اشکالی را از میان بردارد.

شایان ذکر است که این توجیه دربارهٔ مذمت دیگر راویان مورد اعتماد شیعه، همچون زرارة بن أعین، برید بن معاویه عجلای و یونس بن عبدالرحمن نیز پذیرفتنی نیست؛ مگر آنکه با استناد به تاریخ صدور حدیث و قرائن روایی، علم قطعی به دست آید. با این حال، به دلیل نبود قرائن معتبر و تاریخ دقیقِ صدور احادیث جرح، و نیز با توجه به نبود احتمال هم‌زمانی روایات ذم با دوران آغازین حضور راوی در محضر امام معصوم علیه السلام، چنین توجیهی از اعتبار برخوردار نخواهد بود.

اما بررسی نقدهای هدفمند نشان می‌دهد که، افزون بر محمد بن مسلم ثقفی - که راوی بسیاری از روایات معتبر شیعه است - راویان برجسته‌ای همچون زرارة بن أعین، برید بن معاویه عجلای و یونس بن عبدالرحمن نیز در معرض نقادی عالمان حدیثی سلفی - وهابی قرار گرفته‌اند. این نقادی‌ها غالباً هدفمند و غرض‌ورزانه بوده و با تکیه بر شمار اندکی از روایات آحاد و ضعیف‌السند، در راستای سلب اعتماد از راویان شیعه - به‌ویژه افراد برجسته در کثرت نقل حدیث از معصوم علیه السلام - شکل گرفته است؛ به‌گونه‌ای که بررسی اسناد روایات مذمت این چهار راوی موثق شیعه، بر این مدعا دلالت دارد:

- جبرئیل بن أحمد: در هر سه روایت جرح «محمد بن مسلم»، نام وی در سلسلهٔ سند آمده است. همچنین، در میان نه روایت جرح «زرارة بن أعین»، سه روایت، در میان چهار روایت جرح «برید بن معاویه»، دو روایت، و در میان شش روایت جرح «یونس بن عبدالرحمن»، پنج روایت به حضور او در سلسلهٔ سند بازمی‌گردد (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۶۴، ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۳۶۴، ۵۰۸، ۷۸۵).

- محمد بن عیسی: در هر سه روایت جرح «محمد بن مسلم»، نام او در سلسلهٔ سند دیده می‌شود. همچنین، از نه روایت جرح «زرارة»، پنج روایت، از چهار روایت جرح «برید بن

معاویه»، سه روایت، و از شش روایت جرح «یونس بن عبدالرحمن»، پنج روایت با حضور وی در سند همراه است (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۳۶۴، ۵۰۸، ۷۸۵، ۷۸۸، ۸۵۸).

- **ابی الصباح:** از سه روایت جرح «محمد بن مسلم» در سند یک روایت و از چهار روایت جرح «برید بن معاویه» در سند یک روایت حضور دارد (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۰۸).
- **محمد بن مسعود:** از سه روایت جرح «محمد بن مسلم»، در هر سه سند نام وی آمده است. همچنین، از نه روایت جرح «زرارة»، سه روایت، از چهار روایت جرح «برید بن معاویه»، دو روایت، و از شش روایت جرح «یونس بن عبدالرحمن»، یک روایت با حضور او در سند همراه است (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۳۶۴، ۵۰۸، ۸۵۸).

- **مفضل بن عمر:** از سه روایت جرح «محمد بن مسلم» در سند یک روایت حضور دارد.
- **علی بن الحکم:** از سه روایت جرح «محمد بن مسلم» در سند یک روایت و از نه روایت جرح «زرارة» در سند یک روایت حضور دارد (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۳).
- **سیف بن عمیرة:** از سه روایت جرح «محمد بن مسلم» در سند یک روایت و از نه روایت جرح «زرارة» در سند یک روایت حاضر است (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۳).
- **عامر بن عبدالله بن جذاعة:** از سه روایت جرح «محمد بن مسلم» در سند یک روایت و از نه روایت ذم «زرارة» در سند یک روایت حضور دارد (کشی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۹۳).
در نتیجه، حضور مکرر راویان مشابه در اسناد دیگر احادیث جرح، نشان دهنده ضعف روایاتی است که در مقام نقد راویان مورد وثوق شیعه گزارش شده است و در تقابل با روایات فراوان مدح شخصیت‌های مذکور، قابل عرضه و استناد نیستند.

نتیجه‌گیری

وجود روایات متعدد در مدح و توثیق محمد بن مسلم ثقفی، نشان‌دهنده جایگاه والا و برجسته او نزد معصومان علیهم‌السلام و اعتماد آنان به وی است. در مقابل، روایات ذمّ محمد بن مسلم از نظر سندی ضعیف‌اند و می‌توان این امر را تحت تأثیر عواملی مانند تقیه دانست. بر این اساس، ادعای الغامدی مبنی بر عدم اصالت روایات شیعه به دلیل تناقضات ظاهری بی‌اساس است؛ چراکه نقد روایات نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه با بهره‌گیری از روش‌ها و معیارهای علمی است. بنابراین، نمی‌توان صرفاً با استناد به چند روایت، حکم کلی درباره صدق یا کذب راویان و روایات صادر کرد. بررسی دقیق اسناد و ارزیابی آن‌ها نشان می‌دهد که روایات ذمّ محمد بن مسلم ثقفی از معصوم علیه‌السلام قابل اثبات نیستند. این روایات، افزون بر ضعف سندی، حتی در صورت صحت، دلالت بر تقیه دارند. در مقابل، روایات مدح وی، از نظر کمّیت، وثاقت راویان و کثرت نقل از معصومان علیهم‌السلام، براساس دیدگاه عالمان رجالی معتبر محسوب می‌شوند و صدور آن‌ها از معصوم علیه‌السلام ثابت است. از این رو، تناقض ظاهری میان روایات مدح و ذم با بررسی همه‌جانبه قابل رفع است و نمی‌توان صرفاً به استناد این تناقضات ظاهری، اصالت روایات شیعه را زیر سؤال برد.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۶ق)، لسان المیزان، چ ۳، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰ق)، معالم العلماء، نجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، الرجال، چ ۱، قم: دارالحدیث.
- اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة، چ ۱، بیروت: دارالأضواء.
- استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، منهج المقال، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.

برقی، احمد بن علی (۱۳۴۲ش)، الرجال، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.

تفرشی، مصطفی بن حسین (۱۳۷۷ش)، نقد الرجال، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.

تقی‌الدین حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲ش)، الرجال، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.

حسینی حلی، حسین بن کمال‌الدین ابز (۱۴۲۸ق)، زبدة الأقوال في خلاصة الرجال، قم: دارالحدیث.

حیدر، اسد (بی‌تا)، الإمام الصادق والمذاهب الأربعة، بیروت: دارالتعارف.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث، چ ۵، بی‌جا: بی‌نا.

ربانی صالح‌آبادی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، «برگی زرین از زندگی: محمد بن مسلم ثقفی کوفی»، فرهنگ کوثر، ش ۷۵، ص ۱۳۸-۱۴۲.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۰ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، بیروت: دارالاضواء.

شبستری، عبدالحسین (۱۴۱۱ق)، أحسن التراجم لأصحاب الإمام موسى الكاظم (ع)، چ ۱، مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا (ع).

شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، چ ۲، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

صرامی، سیف‌الله (۱۳۹۱ش)، مبانی حجیت آرای رجالی، چ ۴، قم: دارالحدیث.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، رجال الطوسي، چ ۳، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، الفهرست، محقق: عبدالعزيز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

عزیزی، حسین (۱۴۳۰ق)، الرواة المشتركون بين الشيعة والسنة، چ ۱، تهران: مركز التحقيقات والدراسات العلمية.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، إيضاح الإشتباه، چ ۱، قم: مؤسسة نشر اسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلي، چ ۲، قم: الشريف الرضي.

علیاری تبریزی، علی بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، بهجة الآمال في شرح زبدة المقال، چ ۲، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.

غامدی، احمد بن سعد (۱۴۳۱ق)، گفتگوهای عقلانی با شیعیان اثنی عشری (منابع شیعه در میزان نقد علمی)، بی‌جا: بی‌نا.

قهپایی، عنایة‌الله (۱۳۶۴ش)، مجمع الرجال، چ ۲، قم: اسماعیلیان.

- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، منتهی المقال في أحوال الرجال، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، تنقيح المقال، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مرتضی، بسام (۱۴۲۶ق)، زبدة المقال من معجم الرجال، چ ۱، بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- مظاهری، حسین (۱۴۲۸ق)، الثقات الأخیار من رواة الأخبار، چ ۱، قم: مؤسسه الزهراء (س) الثقافية الدراسية.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، چ ۱، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- میرصادقی، محمد حسین (۱۳۸۶ش)، کتاب محمد بن مسلم الثقفي و أصوله الأربعمئة، تهران: سنا.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشي، چ ۶، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۲۲ق)، مستطرفات المعالی، چ ۱، تهران: مؤسسه نبأ.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال الحديث، چ ۱، تهران: بی نا.